



میر عبدالواحد سادات

من متهم می‌سزم !

من جرم را تعریف و مجرم را معرفی مینمایم !

من شريك و مشوق قاتل كودك نوزاد و افغانان مقتول را معرفی و علیه ان اقامه دعوی می‌نمایم !
افغانستان بزرگترین قربانی تروریسم بین‌المللی است و آماج دور جدید ترور شرارت پیشه‌گان قرار دارد.
به‌گرد "سراب" صلح در دو ماه بعد از "معاهده" قطر در افغانستان حمام خون برپا است و همه‌روژه
مظلومترین خلق خدا، بخاب و خون می‌غلطند.

آنچه را دیروز تروریستان ددمنش در شهر کابل و ولایت ننگرهار انجام دادند، بمثابة خونین‌ترین و
هولناکترین جنایت علیه بشریت در جریان جنگ‌های جهانی و ترژییدی‌های خونین در کربلا، صبرا، شطیلا
روندا، یوگوسلاویای سابق و ... قابل مقایسه نمی‌باشد.

در شفاخانه ملکی (داکتران بدون مرز) شرارت پیشه‌گان شریر و دون همت کودکان نوزاد، مادران حامله و
فرشته‌های چپن سپیدرا با قساوت غیرقابل بیان و با نهایت دهشت و بربریت به قتل‌رسانیده‌اند و مادر
را در نخستین لحظات دیدارنوزادش و نوزادرا در نخستین دقایق تولدش از حق حیات محروم ساخته
اند ...

این ترژییدی خونبار حقوق بشر و این مرگ انسانیت و قتل ارزش‌های والای انسانی با تقبیح معمولی
"دکانداران" حقوق بشر بدرقه گردید که خود کمال قباحت آنان را هویدا می‌سازد.
اما از آنطرف اوقیانوس، صدای آشنای در قبال این فاجعه هولناک انسانی بلند گردید و سفیهانه‌ترین
سخنان اوج‌رفعت سفله‌گان را نمایش داد و برزخم خونین مقتولان و ترژییدی خونبار افغانستان نمک
پاشی نمود.

این صدای رئیس‌جمهور ایالات متحده امریکا آقای ترامپ بود که با استحقار گفت:

«ما نمیتوانیم نقش پولیس را ایفا نماییم»

«افغانها باید خود از کشورشان مواظبت نمایند»

به توصیه بزرگان با "قالو سلاما" گفتن، میتوان حرف او را نادیده انگاشت؛ بوژه که از دوسال باینطرف
به تأسی از کلام عارف و یکی از بزرگترین شخصیت اسلامی و فرهنگی حضرت مولانا، من او را "زنگی مست"
خطاب مینمایم.

سفیهانه تر از "زنگی مست"، وزیر خارجه او که قرار صادر کرد تا: «حکومت افغانستان و طالبان مشترک بر ضد تروریستان اقدام نمایند»

این سخنان را آقایانی به زبان می آورند که در ایجاد شرکت سهامی چندسره، از همان بن اول تا کنون نقش اساسی دارند و در عین حال با گروه دهشت افکن مخالف آن همیشه حشر و نشر داشته و "معاهده" در قطر عقد و پروسه صلح را به "پروژه" مبدل نموده اند.

چنین اظهارات ابلهانه از طرف رئیس دولت انجام می یابد که در قبال افغانستان افزون بر مسوولیت اخلاقی (Moral obligation) دارای مسوولیت حقوقی نیز میباشد و قرارداد ستراتیژیک و امنیتی را عقد نموده است.

هواگاه حداقل احساس مسوولیت در قبال منشور سازمان ملل متحد و میثاق های جهانی که امریکا به آن الحاق نموده است در دولت آقای ترامپ وجود میداشت، باید حوادث خونین دیروز افغانستان را بحیث جرایم بزرگ علیه بشریت بحیث عضو مقتدر شورای امنیت به آن شورا مطرح مینمودند. آقای "زنگی مست" (جناب ترامپ): با شما موافقم که :

اجرای نقش پولیس به عهده خود افغان ها است و اما شرط اجرای دقیق این نقش این است تا: تا شما از نقش متجاوز صرف نظر نمایید و به سیاست کجدار و مریز تان در قبال ترؤیدی خونین افغانستان خاتمه دهید!

جناب شما در راس دولتی قرار دارید که یکی از خالقین شرارت پیشه گان تروریست جهان و منجمله همین طالب و داعش میباشد و در دهه حضور نامیمون شما در افغانستان، مصروف آبیاری ریشه تروریسم در پاکستان و شاخ بری در افغانستان به قیمت خون افغانان مظلوم میباشد.

ضرور نیست تا انسان مورخ و یا محقق باشد تا از نقش دولت شما در ایجاد، تجهیز، تسلیح و سازماندهی تروریستان شرارت پیشه در مجموع جهان و به ارتباط افغانستان آگاهی داشته باشد، به وکت کهکشان افترنیت امروز حتی شاگردان مکاتب نیز اعترافات آقای برژینسکی طراح ایجاد کمپ های تروریستان در پاکستان (جولای ۱۹۷۹م) و کسی که بخاطر تشویق دهشت افکنان از دره خیبر به جانب افغانستان فیر نمود، خانم کلینتن رقیب انتخاباتی شما، خانم بی نظیر بوتو، کتاب جنرال مشرف و ده ها سند دیگر را خوانده اند و بخوبی میدانند که چگونه:

در راستای "کمر بند سبز" بنیادگرایی تشویق و جمهوری های اسلامی در ایران و پاکستان شکل گرفتند، تنظیم های "جهادی" بوجود آمدند و داستان ایجاد طالبان از چه قرار است؟ وزماني که در لوج جنگ سرد و در تصفیه حساب ابر قدرت های وقت (اتحادشوری و امریکا)، افغانستان بحیث "نطع" آن قربانی گردید، تحت رهبری مثلث (سی آی ای، استخبارات سعودی و آی اس آی) بیشتر از یکصد هزار دهشت افکن عرب و عجم را به حیث ابزار آن جنگ استخدام و القاعده و داعش محصولات همان پلانیها است و در سی سال اخیر بمثابه "معبر ورود به آسیای میانه"، قربان میگردد. داستان یونیکال و ایجاد طالبان را و نقش آقای خلیل زاد در آنوقت میتواند به بسیاری از چون و چراها در رابطه پاسخگو باشد.

آقای ترامپ (زنگی مست):

آنچه دیروز در افغانستان توسط عمال تروریست طالب و داعش انجام یافت، يك فاجعه حقوق بشر و يك ترؤیدی هولناك مرگ انسانیت است که در مطابقت با تمام معیارهای حقوقی، مولزین قبول شده حیات مدنی و دینی، بمثابه بربریت و تجاوز بر والاترین ارزشهای انسانی و مدنی بوده و قتل انسانیت پنداشته می شود.

مطابق به تمام معیارهای حقوق بین المللی از کنفرانس لاهه (1907م)، تا اساسنامه نورفرگ، دیوان جزایی بین المللی، دادگاه لندن و کنوانسیونهای چهلگانه ژینو (1948م) ، این عمل جنایتکارانه که «بشکل هدفمند» و «از قبل پلان شده» صورت گرفته در کتگوری:

«جنایات جنگی، ضد بشری و علیه بشریت»

مسجل گردیده است.

در همچو مورد که وقوع جنایت متذکره، اظهر من الشمس است، مولد الزام حقوقی بر "مجرم" سلمان عامل و حامیان، از طرف مراجع مسئول ولرد شده میتواند.

بدینرو :

من بحیث يك افغان و در عین حال بمثابه يك شاگرد علم حقوق که مسوولیت يك نهاد معتبر حقوقی (انجمن حقوقدانان افغان در اروپا) را نیز عهده دار میباشم:

صدای نعلش آغشته به خون مادر افغان را بلند و همچون مدعی العموم (خلرنوال)، به دفاع از حق حیات: کودک نوزاد، زن حامله و موسپید و محاسن سپید، مندرج مواد يك و ششم اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی علیه قاتلان سفاک اقامه دعوی مینمایم و منجمله:

رئیس جمهور ترامپ را بر مبنای تعریف از جرایم وقوع یافته:

متهم میسالم و بمثابه شریك قتل و مشوق قاتل معرفی مینمایم!

بر مبنای حکم ماده دهم اعلامیه جهانی حقوق بشر که چنین مشعر است:

«هر شخص با مساوات کامل حق دارد که دعوایش در دادگاه مستقل و بیطرف، منصفانه و علنی رسیدگی شود.»

دعوی خود را اقامه و به محاکم بین المللی تقدیم مینمایم و در هر نوع تربیون ملی و بین المللی، متکی بر معیارهای جهانی «مشروعیت جرم و جزا» از حق افغانان مقتول و مظلوم دفاع و در برابر هر اتهام و ادعای خود بر طبق قانون جوابگو باشم.

درین اقدام من این کلمات و جملات از اعلامیه جهانی حقوق بشر مطمح نظر من میباشد که : «شناسایی حیثیت و کرامت ذاتی تمام خانواده بشری و حقوق برابر و سلب ناپذیر آنان، اساس آزادی، عدالت و صلح در جهان است»

باور کامل دارم که :

همین نادیده گرفتن و تحقیر حقوق بشر، تبعیض بین خون افغان و امریکایی، مشوق اقدامات وحشیانه است که وجدان بشریت آگاه به دادخواهی فرامیخواند.

با نهایت تاسف، زین واقعیت تلخ نیز آگاه میباشم که در جهان "هابسی" ما که از "جنگل قانون" بطرف "جنگل بدون قانون" روان میباشد، محاکمی وجود ندارد که قلدران و زورگویان ملی و بین المللی را محاکمه

نماید و "زنگی مست" (آقای ترامپ) نیز از در پنجه قانون نمی افتد و چنانچه حتی از صدها مورد ارتکاب جرایم جنگی و ضد بشری، هیچ عسکر و شهروند امریکایی در محاکم بین المللی حاضر نگردیده اند. دولت امریکا حتی اساسنامه دیوان بین المللی جزایی (ICC) را نپذیرفته و باوجودی که در نوامبر (۲۰۱۷م) این محکمه فیصله نمود تا څارنوال آن جرایم جنگی و ضد بشری را در افغانستان بررسی نماید، اما دولت امریکا در برابر آن محکمه و از آمدن څارنوال موظف خانم (فانو نسوتا) به افغانستان مانع تراشی کرده است.

با اذعان به این واقعیت تلخ در گام نخست به:

محکمه وجدان هر شهروند آگاه جهان و تمام نهادهای که به اعلامیه جهانی حقوق بشر و انسانیت باور دارند، مراجعه مینمایم:

تا زین عدالت خواهی بخاطر کودک نوزاد و مادر حامله، پیر و جوان افغان که همه روزه توسط تروریستان شریر، دهشت افکن، در حالی که دولت آقای ترامپ با آنان "معاهده" صلح را عقد نموده و بر حامیان منطقوی و بوژه بر مرکز اصلی (پاکستان) لشراف کامل دارد، به شهادت میرسند، بر مبنای ندای وجدان دفاع نماید.

این اقامه دعوی به هیچوجه به مفهوم نادیده گرفتن مسوولیت افغانان نمی باشد که متأسفانه پاشنه آشیل ما، همان فقدان دولت مقتدر ملی قانون محور و عدالت گستر است.

با حرمت

میر عبدالواحد سادات

